فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۴، صفحات ۳۶ - ۷

بررسی وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی (۱۳۸۱-۱۳۹۱)

محمد حسن فطرس

استاد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)

fotros@basu.ac.ir

فاطمه شهبازی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان

h_shahbazi65@yahoo.com

فقر و نابرابری، به‌عنوان آسیب‌های اجتماعی، چنانچه کنترل و محدود نشوند، می‌توانند منجر به آسیب‌های گسترده‌ای در سطوح خانوار و جامعه شوند، به‌نحوی‌که حیات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی جامعه را مورد تهدید قرار دهند. در این پژوهش با استفاده از داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، مقایسه شده است. نتایج محاسبات دلالت بر آن دارد که فقر و نابرابری درآمدی همواره در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. طی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۸۱) میزان فقر و نابرابری درآمدی در ایران بالا و با نوساناتی همراه بوده است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ فقر و نابرابری درآمدی همچنان بالاست، امّا نسبت به سال ۱۳۸۹ (سال اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش را نشان می‌دهد. در سال‌های ۱۳۹۰و ۱۳۹۱ شاخص سرشمار فقر در مناطق شهری به‌ترتیب ۰/۳۷۸٤ و ۰/٤۰۲۲ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان ۰/۰۳۷۱ و ۰/۰۱۳۳ کاهش داشته است. همچنین شاخص سرشمار فقر در مناطق روستایی در سال‌های ۱۳۹۰و ۱۳۹۱ به‌ترتیب ۰/۳۸۵۲ و ۰/٤۰۷۱ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان ۰/۰٤٤٦ و ۰/۰۲۲۷ کاهش داشته است.

طبقه‌بندی JEL : I30, I31, I32, H20, H29.

واژه‌های کلیدی: فقر، نابرابری، هدفمندسازی یارانه‌های نقدی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۲/۲۲

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

۱. مقدمه

یکی از مباحث مطرح در اقتصاد، وجود نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. امروزه اکثر کشورها و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف از نابرابری شدیدی که ناشی از الگوی توزیع ثروت و درآمد است، رنج می‌برند (زاهدی،۱۳۹۰). نابرابری درآمدی از واقعیت‌هایی است که همیشه توجه انسان‌ها را به خود جلب می‌کند و این موضوع برای اصلاح‌طلبان سیاسی و اجتماعی در تمام دنیا اهمیت ویژه‌ای یافته است. قدمت اعتراض و انتقاد نسبت به نابرابری‌های شدید درآمدی، قدمتی به بلندای تاریخ دارد و گاهی این معترضان و حکام و دولت‌ها را روبه‌روی هم قرار داده است. ایجاد مکاتبی مانند سوسیالیسم و کمونیسم که از محورهای اصلی تفکرات آنها، تلاش برای رسیدن به برابری است، نشانه‌هایی از اهمیت برابری و نابرابری در جوامع است (مهربانی، ۱۳۸۵).

در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسأله فقر و نابرابری مورد توجه گسترده قرارگرفت. به‌گونه‌ای که اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی مسأله فقر و رفاه اقشار آسیب‌پذیر را به صراحت مورد توجه قرار داده‌اند.

به‌رغم دیدگاه‌های مختلفی که در طول تاریخ درباره علّت پیدایش فقر و شیوه رویارویی با آن وجود داشته است، شاید به‌ندرت بتوان مسأله‌ای مانند آن را یافت که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه بتواند دخالت داشته باشد.

در همین راستا، طی سالیان اخیر، علاوه بر تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، اقدامات دیگری در جهت فقرزدایی، طراحی و به اجرا درآمده است. علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، باید اذعان نمود که ایران در نوع مواجهه و حل این معضل هنوز با چالش‌های بسیاری روبه‌روست. طی دهه‌های گذشته، ایران با مشکلات اقتصادی مختلفی مواجه بوده‌است. افزایش تورم، بیکاری، کسری تراز پرداخت‌ها و... در سطح اقتصاد کلان و آثار و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

عواقب آن روی فقر و توزیع درآمد در سطح اقتصاد خرد، ازجمله مشکلاتی است که توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است. رشد جمعیت، افزایش سطح مصرف در سطح خانوار و فرد، منابع مالی بیشتری را برای انجام تعهدات رفاهی دولت طلب می‌نماید. ازاین‌رو، مباحث مربوط به تعدیل قیمت‌ها و اصلاحات ساختاری که از دهه‌ی هفتاد شمسی مطرح شده بود، در اواخر دهه هشتاد توجه بیشتری یافت و منجر به تصویب قانون «هدفمندسازی یارانه‌ها»[1] گردید.

موضوع قابل بحث، تصویر وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی در سال‌های پیش و پس از اجرای این سیاست است.

در این راستا، سازمان‌دهی مقاله به این صورت خواهد بود: ابتدا پیشینه تحقیق بیان شده، سپس چارچوب نظری آورده می‌شود، در ادامه روش انجام تحقیق ذکرشده و سپس یافته‌های تحقیق مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ در پایان نیز بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

در این قسمت به برخی مطالعات داخلی و خارجی در زمینه موضوع پژوهش اشاره‌ای خواهیم داشت.

۱ . هدفمندی یارانه‌ها یکی از محورهای هفت گانه طرح تحول اقتصادی است که به تغییر فرایند پرداخت یارانه‌ها می‌انجامد. در این فرایند با حذف تدریجی یارانه‌ها از حامل‌های انرژی، آب و فاضلاب، حمل و نقل عمومی، خدمات پستی، کالاهای اساسی (گندم، برنج، روغن، شیر و شکر)، نوع پرداخت تغییر کرده، بخشی از یارانه‌های حذف‌شده به‌صورت نقدی به سرپرستان خانوار، بخشی به تولیدکنندگان و بخشی نیز به دولت پرداخت می‌شود. این طرح برای اصلاح ساختار نظام پرداخت یارانه‌ها توسط دولت نهم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تدوین و توسط دولت دهم (۱۳۹۲-۱۳۸۸) بخشی از آن اجرایی شد. هدف از اجرای آن، عدالت، مدیریت مصرف، ارتقاء بهره‌وری، رفاه اجتماعی و اشتغال اعلام شده بود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

۲-۱. مطالعات داخلی

محمودی (۲۰۱۱) فقر مطلق را در ایران طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه (۲۰۰۷-۱۹۹۵) مورد بررسی قرار داده است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که در برنامه دوم توسعه، همه شاخص‌های فقر مطلق (شاخص سرشمار، شکاف فقر و شدّت فقر) در مناطق روستایی افزایش و در مناطق شهری کاهش یافته است. در برنامه سوم توسعه، کاهش فراوانی در همه شاخص‌های فقر اتفاق افتاده است. در برنامه چهارم همه شاخص‌های فقر با افزایش مواجه بوده‌اند. در دوره مورد بررسی درصد و شدّت فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است.

نجفی‌زاده و حسینی (۱۳۸۸) به بررسی وضعیت توزیع درآمد کشور طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۶۳) به تفکیک مناطق روستایی و شهری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که در طول دوره مورد بررسی، از نابرابری درآمد در کشور کاسته شده است؛ هرچند این کاهش بسیار کُند است. در ضمن، نتایج نشان می‌دهد که توزیع درآمد در مناطق روستایی نابرابرتر از مناطق شهری و از نوسان‌های بیشتری برخوردار بوده است.

راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۷) تغییرات نابرابری در ایران طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۶۳) را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که روند نابرابری برحسب شاخص‌های محاسبه شده در طول دوره بیست و سه ساله مورد بررسی، تغییرات زیادی را داشته، امّا به‌طورکلّی، جز دو سال پایانی مورد مطالعه که روند آنها صعودی بوده، در بقیه سال‌ها روند نزولی را طی کرده است.

جواد صالحی اصفهانی و مهدی (۲۰۱۰) با بررسی تحرّک و پویایی فقر در ایران طی سال‌های (۱۹۹۵-۱۹۹۲) با استفاده از ساختار ترکیبی به این نتیجه رسیده‌اند که فقر در ایران کاهش یافته، امّا نابرابری نسبتاً در سطح بالا و پایداری قرار داشته است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

اسلامی (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی یارانه و خط فقر»، اثر حذف یارانه کالاهای اساسی را با تأکید بر خط فقر مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در بخش انرژی، طبقات بالای درآمدی و اقشار ثروتمند جامعه از یارانه پرداختی بیشتر بهره‌مند شده‌اند، درحالی‌که در مورد کالاهایی مثل شیر و نان، سهم بیشتری از یارانه، عاید دهک‌های پایین درآمدی و اقشار فقیر جامعه می‌شود. همچنین به‌دلیل گستردگی و عمق فقر و تعداد افراد زیرخط فقر، امکان افزایش رفاه اجتماعی از طریق پرداخت نقدی یارانه وجود ندارد.

پیرائی و شهسوار (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های مستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۷۹)» با استفاده از تابع رفاه اجتماعی آتکینسون به این نتیجه رسیده‌اند که در جوامع شهری و روستایی ایران افزایش قیمت اقلام خوراکی به افراد فقیر بیشتر از افراد غیرفقیر آسیب رسانده و پرداخت یارانه به گروه اقلام خوراکی به نفع افراد فقیر بوده است. درحالی‌که افزایش قیمت در گروه‌هایی نظیر بهداشت و درمان، حمل و نقل، ارتباطات، تحصیل و آموزش، به افراد غیرفقیر بیشتر از افراد فقیر آسیب رسانده است.

دادگر و نظری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی «خود رگرسیون برداری» بر اساس داده‌های سری زمانی (۱۳۹۱ – ۱۳۵۳) به این نتیجه رسیده‌اند که ضریب جینی در ایران در دوره مورد مطالعه حول ۰/۵۵-۰/۳۵ بوده که نشان می‌دهد توزیع درآمد در ایران ناعادلانه است. همچنین در شرایط تورّم رکودی، تداوم بحران اقتصادی، نبود زیرساخت‌های لازم، نداشتن مدل اقتصادی و موارد مشابه، هدفمندی یارانه‌ها وضعیت توزیع درآمد را نه‌تنها بهبود نخواهد بخشید، بلکه حتّی باعث می‌شود که طبقات محروم جامعه را تحت فشار قرار دهد و منجر به بدتر شدن وضعیت رفاهی آنها شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

۲-۲. مطالعات خارجی

راوالیون و چن (۲۰۰۷) در تحقیقی فقر مطلق را برای یک‌صد کشور در حال توسعه در دوره (۲۰۰۴-۱۹۸۱) برآورد کردند. در این برآورد، از خط فقر بین‌المللی (درآمد روزانه یک دلار) استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در طول سال‌های مورد بررسی، درصد فقرا به‌صورت معناداری کاهش پیداکرده ولی در زمینه کاهش تعداد فقرا دستاورد محسوسی نداشته است. اگرچه در چین وضعیت متفاوت بوده؛ یعنی تعداد فقرا نیز کاهش پیدا کرده‌اند.

ویو و پرلوف (۲۰۰۵) وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ــ شهری چین را از سال (۲۰۰۱-۱۹۸۵) بررسی کرده‌اند؛ نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که افزایش نابرابری در داخل مناطق روستایی و شهری و رشد شکاف درآمدی روستایی ـ شهری موجب رشد کلّی نابرابری در طی دو دهه گذشته شده است.

پیکتی و سیز (۲۰۰۳) در مقاله خود با استفاده از سری داده‌های همگن درآمد، نابرابری درآمدی در ایالات متحده طی سال‌های (۱۹۹۸-۱۹۱۳) را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سهم دهک‌های بالا بعد از جنگ جهانی دوم افزایش یافته و این شوک تا سال‌ها ادامه داشته است؛ امّا در سال‌های اخیر، مقداری کاهش یافته و روندی نسبتاً نزولی به خود گرفته است.

فرانسیس‌گاردس (۲۰۱۰) با استفاده از ساختار شبه‌ترکیبی، فقر، نابرابری و تحرّک درآمدی را در اکوادور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که فقر در اکوادور کاهش یافته، امّا نابرابری در طول دهه‌های گذشته تغییرات معناداری نداشته است. طی سال‌های (۲۰۰۹-۲۰۰۰) ۲۰ درصد از ثروتمندترین افراد جامعه بیش از ۵۰ درصد از درآمد کل را در اختیار داشتند، درحالی‌که بیش‌ترین سهم ۲۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه، ۴ درصد از

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

درآمد کل بود. این امر نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین مانع برای غلبه بر فقر، توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و منابع است. از طرفی با وجود کاهش نرخ فقر، در سال‌های (۲۰۰۹-۲۰۰۰) تفاوت زیادی بین مناطق روستایی و شهری وجود داشت. مناطق روستایی فقیرتر بودند و نرخ فقر و نابرابری بالا بود.

اریف و فاروک (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «کاهش فقر در پاکستان؛ درس‌هایی از تجربه چین» به بررسی موفقیت دولت چین و ناکامی دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر پرداخته‌اند (ن.ک.ب. ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲). در این مقاله ابتدا موفقیت چین در کاهش فقر بررسی شده، سپس استراتژی دولت پاکستان در این زمینه را تشریح نموده و در نهایت به درس‌هایی که دولت پاکستان می‌تواند از دولت چین بیاموزد، پرداخته است.

این مطالعه به بررسی مکانیزمی پرداخته که چین در سه دهه گذشته، از طریق آن موفق به کاهش چشم‌گیر فقر شده است. دوره‌ای که دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر ناکام بوده‌است. در اواخر دهه ۱۹۷۰، نرخ فقر در مناطق روستایی، در چین و پاکستان، حدود ۳۳ درصد بود؛ در طول دوره (۲۰۰۵-۱۹۷۸) هم درصد فقر و هم تعداد فقرا در چین به شدّت کاهش یافت، در حالی‌که در پاکستان فقر همچنان بالا باقی ماند.

گلاسمن و بردسال (۲۰۱۳) در مقاله‌ای طرح پرداخت یارانه کالایی و پرداخت یارانه نقدی در هند را مورد بررسی قرار داده‌اند. پرداخت یارانه نقدی در هند بر پایه برنامه‌ای موسوم به «انتقال مستقیم سود» که شامل پرداخت مستقیم پول نقد از طرف دولت به فقرا است، اجرا شده است. حرکت به‌سوی پرداخت مستقیم پول به اقشار ضعیف در حالی صورت گرفت که بحث درباره سیاست عظیم و ناکارآمد یارانه کالایی برای دهه‌های متوالی، محلی برای بحث و مناقشه بوده است. دولت هند، سالانه چیزی حدود ۱۴میلیارد دلار (معادل یک درصد از تولید ناخالص داخلی) را برای یارانه غذا، کود و نفت صرف می‌کرد، البته نباید از هزینه مربوط به

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

توزیع این کالاهای یارانه‌ای صرف‌نظر شود. توزیع این اقلام در مغازه‌ها و مراکز کوچکی صورت می‌پذیرفت که اغلب در مناطق فقیرنشین قرار داشتند. علّت عمده انتخاب این نوع سیستم توزیع یارانه‌ها، این بود که بسیاری از هندی‌های فقیر، از کارت شناسایی معتبر یا حساب بانکی فعال یا سواد استفاده از حساب بانکی بی‌بهره بودند. به عقیده نویسنده، عوامل متعددی دست به دست هم دادند تا این برنامه، موفق عمل نکند. قانون‌های گیج‌کننده درباره این‌که کدام گروه از فقرا باید از یارانه‌ها بهره‌مند شوند و نبود اجماع در مورد این مسأله، در کنار مکانیسم اجرایی ضعیف و در نهایت عامل فساد، همگی دست به دست هم دادند تا این برنامه شکست بخورد. تحقیقات انجام گرفته در این زمینه نشان داد که نه تنها این نحوه پرداخت یارانه‌ها باعث کاهش فقر در هند نشده است، بلکه حدود ۷۰ درصد از افرادی‌که از این نحوه پرداخت یارانه منتفع می‌شدند، اساساً فقیر نبوده‌اند. نتایج این تحقیقات همچنین نشان داد اگر پولی که برای یارانه کالاها پرداخت می‌شود، مستقیماً به خود فقرا داده شود، همه آنها می‌توانند با استفاده از این پول از زیر خط فقر خارج شوند.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. مروری بر ادبیات نظری تحقیق

تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات، مباحث مهم علم اقتصاد را تشکیل می‌دهند. رشد اقتصادی و توزیع درآمد دو موضوع مهمی هستند که همواره توجه اقتصاددانان را به خود جلب نموده‌اند. اولین مطالعه تجربی درباره ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد توسط کوزنتس (۱۹۵۵) صورت گرفت وی با استفاده از داده‌های ترکیبی برای سه کشورآمریکا، آلمان و انگلیس به این نتیجه دست یافت که نابرابری درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی افزایش می‌یابد سپس هم‌تراز شده و سرانجام کاهش می‌یابد، پس رابطه بین نابرابری درآمد با درآمد سرانه در طول زمان به شکل u واژگون است (ابو نوری، ۱۳۸۶). نابرابری را می‌توان

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

تفاوت افراد جامعه در دستیابی به منابع اقتصادی تعریف کرد که از عواملی مانند سیاست‌های دولت در توزیع منابع، خصوصیات شخصی مانند جنس و سن افراد، سطح آموزش و بهداشت جامعه تأثیر می‌پذیرد (فطرس، ۱۳۸۷). به‌دنبال نابرابری، فقر در جامعه گسترش می‌یابد. مفهوم فقر را می‌توان ناکافی بودن درآمد بیان کرد، البته این بیان تنها فقر اقتصادی را شامل می‌شود (راغفر، ۱۳۸۴). بانک جهانی فقر را محرومیت از سطح رفاه و بهزیستی تعریف می‌کند. آمارتیاسن (۱۹۸۱) معتقد است فقر به‌معنی نوعی محرومیت از امکانات زندگی است. البته محرومیت خود مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت باهم فرق داشته باشد. یارانه یکی از ابزارهای حمایتی دولت‌ها برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بخش‌های خاص تولیدی است. در تمام نظام‌های اقتصادی موضوع رفاه و تأمین اجتماعی حائز اهمیت بوده و بخشی از هزینه‌های جاری دولت به پرداخت‌های انتقالی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اختصاص می‌یابد. در ایران و بیشتر کشورهای در حال توسعه، پرداخت یارانه به صورت عام و فراگیر بوده و در بین عموم خانوارها توزیع می‌شود و این امر موجب اختلال در اهداف حمایتی یارانه‌ها شده است، زیرا میزان بهره‌مندی خانوارهای فقیر درمجموع از برنامه‌های حمایتی دولت‌ها کم و به‌دلیل قدرت خرید بیشتر خانوارهای ثروتمند، میزان انتفاع آنها از یارانه بیشتر است. در اجرای سیاست‌های هدفمندسازی یارانه شناسایی اقشار آسیب‌پذیر و هدایت منافع حاصل از حذف یارانه‌ها اولین راه حل است. بنابراین مبحث هدفمندسازی بحثی قدیمی است که مورد توافق اقتصاددانان و سیاستمداران کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است. پرداخت نقدی به‌صورت کمک در قالب پول نقد به فقرا یا کسانی که در معرض خطر احتمالی بوده و در صورت فقدان پرداخت دچار تنگدستی می‌شوند، است. این سیستم امروزه در بیشتر کشورها مورد استفاده است و به‌وسیله ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی در حمایت از فقرا و نیازمندان ایفای نقش می‌کند. دولت‌ها در این سیستم

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

کمک‌های اجتماعی و برنامه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند و پرداخت‌های بخش خصوصی از طریق خانوارها یا به‌وسیله شرکت‌ها، صورت می‌پذیرد. البته محدودیت منابع و یا ضعف‌های ساختاری ازجمله فقدان دسترسی به اطلاعات کامل و جامع در اجرای آن جزء موانع آن محسوب می‌شود.

۳-۲. مروری بر تعاریف فقر، شاخص‌های آن و توزیع درآمد

۳-۲-۱. فقر

تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی از فقر وجود دارد. به‌عنوان مثال؛ تانسند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱) تعریفی از فقر ارائه داد که به‌طور گسترده از آن استفاده شد. افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی زمانی فقیر به‌حساب می‌آیند که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند (خداداد کاشی، به نقل از آمارتیاسن، ۱۹۸۱). اشاره دارد که کلیه تعاریف در خصوص فقر به‌نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیّت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت، به صورت‌های مختلف معنا شود. بدین معنی که در یک کشور در حال توسعه، ممکن است فقر به معنی محرومیّت از امکاناتی [نظیر غذا، مسکن، دارو] تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است. درحالی‌که در یک کشور توسعه‌یافته بر محرومیّت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد (خداداد کاشی، به نقل از تانسند، ۱۹۷۹).

۳-۲-۲. خط فقر

خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در زمان و مکان معین برای دسترسی به یک حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند، غیرفقیر می‌باشند (خداداکاشی، به نقل از راوالیون، ۱۹۹۸). برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقرا به یک ملاک به‌نام «خط فقر» نیاز

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

است. این ملاک را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف نمود. بعضی حداقل معاش برای ادامه حیات را برحسب انرژی و پروتئین تعریف می‌کنند. ملاحظه می‌شود که خط فقر نیز دارای مفاهیم مختلفی است که انتخاب هر یک در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است؛ زیرا شاخص‌های مبتنی بر این مفاهیم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت و یا نابرابری از خود نشان می‌دهند. خط فقر مطلق عبارت از مقدار درآمدی که برای تأمین حداقل نیازهای افراد مانند غذا، پوشاک و ... لازم است. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی می‌گویند (ابو نوری، ۱۳۸۷).

۳-۲-۳. فقر مطلق و نسبی

بوت و راونتری دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در کشور انگلستان در اواخر قرن نوزدهم سعی کردند که تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند. این دو تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند. به عقیده آنها فقر مطلق یک موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش شکل‌گرفته است و منظور، حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است (خداداد کاشی، ۱۳۸۴).

به‌این‌ترتیب فقر مطلق به‌عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت. بنابراین تعریف، فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد. برای این کار لازم است بدانیم مردم به چه چیز نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاها و خدمات مشکل فقر آنها برطرف خواهد شد. این نوع ایده از فقر مطلق یا حداقل معاش با آخرین کار بوت (۱۸۸۹) و راونتری (۱۹۰۱ و ۱۹۴۱) مرتبط است. در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است که در آن داوری‌ها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

عنوان ناتوانی درکسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است، فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست، بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (خداداد کاشی، ۱۳۸۴).

۳-۲-٤. قابلیت‌ها در مقابل درآمدها

مفهوم قابلیت اولین بار توسط آمارتیاسن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ مطرح شد. از نظر آمارتیاسن فقر به‌مثابه محرومیّت از قابلیت‌ها است (خداداد کاشی، ۱۳۸۴). مقاله سن تحت عنوان «کالاها و قابلیت‌ها» نقطه آغازین مباحث مربوط به این رویکرد محسوب می‌شود. از نظر سن ارزش کالاها به نقش و کارکردی است که در رفع نیازهای انسان دارند. بنابراین باید توجه خود را از نگاه درآمدی که عملاً منتج از نظریه مطلوبیت است به نگاه مبتنی بر قابلیت‌ها معطوف کنیم. قابلیت به‌معنی آنچه مردم واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند، تعبیر می‌شود. بنابراین چه بودن یا چه کردن انسان‌ها اهمیّت محوری ندارد، آنچه مهم است توانایی بالقوه افراد برای انتخابی متفاوت ازآنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند، می‌باشد. به‌عبارتی، وضعیت اقتصادی یا اجتماعی که در آن قرار دارند، محصول یک انتخاب باشد، نه اجبار. به این معنا، انتخاب زمانی وجود دارد که وضعیت‌های مختلفی برای انتخاب کردن وجود داشته باشد. این وضعیت‌های مختلف بستگی مستقیم به ویژگی‌های فردی و شرایط محیطی دارد. با این تعبیر تفاوت ماهوی بین فردی که مثلاً دچار مشکلات فیزیکی یا معلولیت جسمی است با فردی که دارای بدن سالم است، وجود دارد. سطح مطلوبیّت این افراد با توجه به رویکردهای درآمدمحور قابل اندازه‌گیری و مقایسه نیست. فرد معلول با درآمد مساوی با فرد سالم، ممکن

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

است در وضعیت نامناسب‌تری به‌سر برد، زیرا او از یک محرومیت قابلیتی (و نه درآمدی) نیز رنج می‌برد. سن بر ضرورت تغییر زاویه دید و نحوه نگرش به اهمیت کالاها برای انسان تأکید کرد. به‌زعم وی کالاها ازآن‌رو اهمیت دارند که نیاز انسان را رفع می‌کنند و ارزش یک کالا در رفع نیاز انسان بستگی زیادی به شرایط فردی و قابلیت‌های او دارد. به این تعبیر کتاب برای فرد بی‌سواد و دوچرخه برای کسی که دوچرخه‌سواری بلد نیست، مطلوبیتی به همراه ندارد. بنابراین نیازهای افراد مختلف بسته به خصوصیات فردی می‌تواند بسیار متفاوت باشد (محمودی، ۱۳۸۴).

۳-۲-۵. شاخص‌های فقر

برای درک بهتر اندازه فقر به برخی شاخص‌های فقر اشاره‌ای خواهیم داشت.

ـ شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر)

این شاخص به‌صورت نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف‌شده است.

$$H=q/n \qquad (۱)$$

q= تعداد افراد فقیر

n= تعداد کل افراد جامعه

این شاخص نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیرخط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر (حالتی که هیچ فقیری در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (حالتی که کلیه افراد در جامعه فقیر باشند یعنی درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. اشکال عمده این شاخص این است که افزایش یا کاهش میزان درآمد افراد فقیر و غیرفقیر جامعه مشروط بر آن‌که موجب جابجایی افراد حول خط فقر نشود، هیچ‌گونه تأثیری در اندازه شاخص نسبت افراد فقیر ندارد. درواقع اشکال این شاخص آن است که نسبت به انتقال درآمد بین فقیرها و حتّی بین فقیرها و غیرفقیرها حساس نیست. علاوه بر این؛ این

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

شاخص نسبت به کاهش درآمد فقرا نیز حساس نیست. اشکالات فوق، کاربرد این شاخص را محدود می‌نماید (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

ـ شاخص شکاف فقر

این شاخص بر فاصله کل فقرا نسبت به خط فقر، که نشان‌دهنده عمق فقر است، مبتنی می‌باشد. به‌عبارتی، این شاخص میانگین شکاف فقر در جامعه است که در آن شکاف فقر برای غیرفقیر صفر محسوب می‌گردد. شاخص شکاف فقر، مقدار درآمد لازم برای انتقال فقرا به بالای خط فقر است (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

$$\mathbf{p_{gap} = 1/n \sum_{i=1}^{q} (z - x_i)/z} \qquad (۲)$$

n= تعداد افراد جامعه

q= تعداد افراد فقیر

z= خط فقر

x_i = درآمد i امین فرد فقیر است

ـ شاخص فاستر، گریر و توربک

یکی از شاخص‌های فقر که در سال‌های اخیر کاربرد زیادی پیدا کرده، توسط فاستر، گریر و توربک پیشنهاد شده است. این سه محقق روش خود را برای ارائه شاخص فقر بر این باور می گذارند که تجزیه‌پذیری، از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب است. این گروه از شاخص‌ها که با علامت (FGT) نمایش داده می‌شوند، بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. فاستر و همکاران وی شاخص فقر خود را به‌صورت زیر ارائه می‌دهند:

$$FGT_\alpha = P_\alpha = 1/n \sum_{i=1}^{q} (z - x_i)^\alpha / z^\alpha \qquad (۳)$$

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

اگر $\alpha = 0$ باشد، این شاخص به شاخص سرشمار و اگر برابر با یک باشد به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود. اگر برابر با ۲ باشد، یعنی این شاخص حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌گردد (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

٤. توزیع درآمد

توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را «توزیع درآمد» می‌گویند. امروزه اهمیت نقش دولت در مسأله توزیع درآمد به‌حدّی است که تقریباً تمام اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های رشد اجتماعی و وضعیت رفاه در یک جامعه، تعادل و توازن توزیع درآمد یا ثروت در آن جامعه است. بنابراین، بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه سهم گروه‌های مختلف جمعیت، در درآمد ملی است. توزیع درآمد بر دو نوع است: توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (شامل زمین، نیروی کار و سرمایه) و توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف درآمدی (مانند دهک‌های مختلف).

٥. روش ارزیابی تغییرات توزیع درآمد

یکی از متداول‌ترین شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد جامعه، ضریب جینی[1] است. ضریب جینی عددی بین صفر و یک است که در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. در بین پژوهشگران روش‌های مختلفی برای محاسبه این شاخص وجود دارد. یک روش آن است که بعد از مرتب کردن صعودی درآمد سرانه خانوارها، داده‌ها، به گروه‌های مساوی تقسیم شده و سپس تعیین می‌شود که هریک از گروه‌های مورد نظر چند درصد از درآمد جامعه را به خود اختصاص داده است.

1 . Gini Coefficient

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

ضریب جینی به‌صورت پیوسته به شکل زیر معرفی می‌شود، که در آن x درآمد و یک متغیر تصادفی و $L(x)$ منحنی لورنز[1] است.

$$G = 1 - 2\int_0^1 L(x)dx \qquad (۴)$$

به صورت گسسته ضریب جینی به‌شکل زیر معرفی می‌شود:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^{k-1}(y_{i+1} - y_i)(x_{i+1} + x_i) \qquad (۵)$$

y_i سهم تجمعی خانوار یا گروه i ام هزینه‌ای (درآمدی)، x_i سهم تجمعی هزینه خانوار یا گروه i ام هزینه‌ای (درآمدی)، k تعداد گروه‌های هزینه‌ای (درآمدی) است. از نقاط قوّت ضریب جینی می‌توان به سادگی و قابل فهم بودن آن اشاره کرد. همچنین ضریب جینی اختلاف درآمد خانوارهای یک جامعه را نشان می‌دهد. به‌بیان دقیق‌تر، ضریب جینی اصول موضوعه استقلال، عدم حساسیت، تقارن، جمعیت، نسبیت، تجزیه‌پذیری را برآورده می‌سازد.

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اشکالات واردشده به ضریب جینی آن است که اصل انتقال نزولی در آن صدق نمی‌کند. به‌عبارت دیگر، اندازه این شاخص به درآمد افرادی که انتقال درآمدی بین آنان انجام می‌شود، بستگی ندارد. بدین معنی که حساسیت شاخص نسبت به انتقال درآمدی، همگام با افزایش درآمد افراد درگیر انتقال، افزایش یافته تا به حداکثر خود در نقطه نمای الگوی توزیع می‌رسد و سپس با افزایش مجدد درآمدها، به‌تدریج از مقدار آن

1 . Lorenz Curve

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

کاسته می‌شود. میزان حساسیت نسبی ضریب جینی به انتقالات درآمدی بین افراد جامعه، بستگی به تعداد افرادی دارد که در رتبه‌بندی درآمدها، بین افراد درگیر انتقال قرار می‌گیرند. پس اگر مقدار معینی درآمد بین دو فرد پردرآمد و همین مبلغ بین دو فرد کم‌درآمد انتقال یابد به‌شرط آنکه تعداد افراد رتبه‌بندی شده بین دو فرد پردرآمد و دو فرد کم‌درآمد یکسان باشد، میزان تغییر در ضریب جینی یک اندازه است. درحالی‌که با پذیرش اصل حساسیت نسبی، انتظار آن است که هر چه افراد درگیر انتقال کم‌درآمدتر باشند، تأثیر انتقال درآمدی بر اندازه شاخص نابرابری بیشتر شود و برعکس. همین ویژگی؛ یعنی دادن اهمیت یکسان به انتقالات درآمدی بین افراد با درآمدهای متفاوت، با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، موجب می‌شود که استفاده از ضریب جینی برای نشان دادن نابرابری درآمد توزیع‌های مختلف و رتبه‌بندی آنها (هنگامی‌که منحنی لورنز آنها همدیگر را قطع می‌کنند) دچار اشکال و ابهام شود. به‌عبارت ساده‌تر، شاخص ضریب جینی به انتقال درآمد بین ثروتمندان، انتقال درآمد بین فقیران و انتقال درآمد از ثروتمندان به فقیران وزن یکسانی می‌دهد که همان‌طور که ذکر شد این موضوع انتقادی بر شاخص ضریب جینی است.

٦. هدفمندسازی یارانه‌های نقدی

یکی از جنجال‌برانگیزترین سیاست‌های اقتصادی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد پرداخت یارانه و تبعات آن بوده است. اصطلاح هدفمندسازی یارانه‌ها[1] که در دولت نهم مطرح شد، پس از یک وقفه نسبتاً طولانی در دولت دهم مجدداً مطرح شد و پس از تصویب در مجلس هشتم در اواخر آذرماه سال ۱۳۸۹ به مورد اجرا گذاشته شد. هدفمندکردن یارانه در واقع عبارت است از: «تعریف و انتخاب خانوارها یا

1 . Targeting Subsidies

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

افراد هدف و توزیع منافع به خصوصی بین آنها از طریق مکانیسم خود هدفمندی، هدفمندسازی اداره شده و مشابه آن» (هافمن، ۱۹۹۴).

اصلاح یارانه‌ها، در بلندمدّت؛ و با فرض آماده بودن زیرساخت‌های لازم، حذف یارانه‌ها ضروری است. امّا با توجه به مدیریت اقتصادی فعلی اعمال سیاست مربوطه با دشوارهایی همراه بوده است. یارانه به‌طورکلّی نوعی کمک مالی یا نوعی انتقال منابع اقتصادی دولت به خریداران و فروشندگان کالا و خدمات است. پرداخت یارانه ازجمله شناخته‌شده‌ترین راه‌های انتقال درآمد به گروه‌های کم‌درآمد جامعه است که دارای سابقه طولانی است. به‌طورکلّی ابعاد یارانه‌ها را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود: اهداف دولت، مراحل کالا، طبقه‌بندی یارانه، طبقه‌بندی یارانه بر اساس انعکاس هزینه‌های آن.

- اهداف دولت: هدف‌های دولت بر اساس این پنج نوع یارانه از هم تفکیک می‌شود:
  یارانه اقتصادی، یارانه توسعه‌ای، یارانه اجتماعی، یارانه سیاسی، یارانه فرهنگی.
- مراحل کالا: بر اساس این‌که در چه مرحله‌ای برای کالا یا خدمات، یارانه پرداخت گردد، می‌توان انواع یارانه را این‌گونه تفکیک کرد:
  یارانه مصرفی، یارانه تولیدی، یارانه توزیعی، یارانه خدماتی، یارانه صادراتی، یارانه کاهش واردات و صرفه‌جویی ارزی.
- نحوه طبقه‌بندی یارانه: بر این اساس، دو نوع یارانه از هم تفکیک می‌شوند:
  یارانه مستقیم، یارانه غیرمستقیم.
- طبقه‌بندی یارانه بر اساس انعکاس هزینه‌های آن: بر این اساس دو نوع یارانه پنهان و آشکار از هم تفکیک می‌شود. در مورد هر کالایی که دولت با پرداخت مبلغی از بودجه خود باعث شود، قیمت آن کالا کم‌تر از قیمت تمام‌شده خود در بازار عرضه گردد، یارانه آشکار پرداخت گردیده است. درحالی‌که یارانه پنهان به‌نوعی از یارانه اطلاق می‌گردد که به‌نحوی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

موجب ایجاد هزینه یا محرومیت از کسب درآمد برای دولت است و در بودجه دولت و حساب‌های ملی کشور ثبت نمی‌شود؛ مانند یارانه تخصیصی به برخی از کالاها و خدمات اساسی که عرضه آنها زیر قیمت تمام‌شده توسط بنگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد (دادگر، ۱۳۸۶).

یارانه مالیات منفی نامیده می‌شود، امّا به‌دلیل این‌که هزینه محسوب می‌شود، حساسیت بیش‌تری نسبت به مالیات دارد، برای این‌که افزایش یارانه‌ها در حال حاضر به‌معنای فشار مالیاتی بر شهروندان در آینده خواهد بود، زیرا در شرایط متعارف تأمین مالی یارانه از طریق مالیات صورت می‌پذیرد (دادگر، ۱۳۸۶).

۷. داده‌ها و روش تخمین

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش داده‌های خام طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار است که توسط مرکز آمار ایران طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) بر پایه اطلاعات شهری و روستایی جمع‌آوری شده است. برای پالایش داده‌های اولیه در نرم‌افزار access از نرم‌افزار stata استفاده شده است. بخش هزینه پرسشنامه بودجه خانوار شامل هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی می‌شود. در ایران اطلاعات مربوط به درآمد افراد دچار کم‌گویی شده است که این مسأله به‌صورت اختلاف معنی‌دار بین متوسط درآمد و هزینه خانوار منعکس می شود. به‌همین سبب، به‌دلیل کیفیت بهتر داده‌های هزینه نسبت به داده‌های درآمد و برای واقعی کردن تحلیل‌ها و روشن شدن مسیر تغییرات نابرابری و فقر از داده‌های هزینه به‌جای داده‌های درآمد استفاده شده است. برای تعیین خط فقر مطلق ابتدا سبد کالایی معرفی شده و تمام کالاهایی که در سبد مصرف‌کننده فقیر جایگاهی ندارند از اقلام شاخص حذف و صرفاً اقلام خوراکی نظیر برنج، گندم، ماکارونی، سیب‌زمینی، حبوبات، گوشت قرمز و سفید، تخم‌مرغ، شیر، ماست، پنیر، میوه‌جات، سبزی‌ها، روغن مایع و شکر در نظر گرفته شده است. مسأله مهم

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

این است که در مجموعه اطلاعات بودجه خانوار داده‌های هزینه در سطح خانوار گزارش می شوند. لذا باید هزینه خانوار به‌نوعی به فرد نسبت داده شود.

برای تخمین هزینه سرانه معادل خانوار، می‌توان از شاخص‌های مقیاس معادل[1] استفاده کرد. از سوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه[2] روش‌های متداولی برای لحاظ کردن هزینه‌های معادل در مطالعات پیشنهاد شده است. در این پژوهش از روش ارائه شده در هاتون و خندکر (۲۰۰۹) استفاده شده است که در آن N_a تعداد بزرگ‌سالان و N_c تعداد بچه‌ها است.

$$AE = (N_a + .4N_c)^{.85} \qquad (۶)$$

جدول ۱. سبد غذایی برای تعیین خط فقر، ماهیانه یک فرد بزرگسال

مواد غذایی	مقدار سبد غذایی ماهیانه	کالری دریافتی روزانه
نان (شامل انواع نان سنتی)	۸ کیلوگرم	۷۲۰
برنج خارجی درجه دو	۳ کیلوگرم	۲۴۰
ماکارونی	۰/۷ کیلوگرم	۲۰
سیب‌زمینی	۱/۵ کیلوگرم	۴۰
عدس	۰/۶ کیلوگرم	۴۰
شیر کیسه‌ای پاستوریزه	۷ کیسه یک لیتری	۱۱۵
ماست	۳ کیلوگرم	۵۰
گوشت قرمز	۲/۱ کیلوگرم	۶۵

1 . Equivalence Scale Indices
2 . Organization for Economic Co-operation and Development(OECD)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

ادامه جدول ۱.

گوشت سفید	۵/۱ کیلوگرم	۱۰۰
تخم‌مرغ	۱۰عدد	۳۰
پنیر	۰/۴۵ کیلوگرم	۲۰
میوه (سیب، پرتقال،انگور)	۶۰ واحد (معادل ۶/۳۶ کیلوگرم)	۱۲۰
سبزی‌های برگ سبز	۶۰ واحد (معادل ۶/۰۷۲ کیلوگرم)	۵۰
دیگر سبزی‌ها	۶۰ واحد (معادل ۶/۴۳۷ کیلوگرم)	۵۰
روغن مایع	۹۰۰ سی سی	۲۹۰
شکر	۱ کیلوگرم	۲۳۰
جمع		۲۰۸۰

مأخذ: دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، ۱۳۸۴.

۸. یافته‌های پژوهش

در این قسمت به‌منظور آگاهی از وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران شاخص‌های فقر و ضریب جینی با استفاده از نرم‌افزار STATA محاسبه و نتایج تخمین در جداول زیر آورده شده است.

جدول ۲. اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص سرشمار در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
مناطق شهری	۰/۳۳۲۴	۰/۳۰۴۵	۰/۲۹۸۹	۰/۲۹۵۴	۰/۳۶۲۱	۰/۳۳۹۷	۰/۳۶۹۰	۰/۴۰۵۴	۰/۴۱۵۵	۰/۳۷۸۴	۰/۴۰۲۲
مناطق روستایی	۰/۳۵۷۶	۰/۳۳۶۳	۰/۳۱۷۷	۰/۳۰۷۵	۰/۳۷۱۵	۰/۳۵۳۱	۰/۳۸۵۸	۰/۴۱۳۶	۰/۴۲۹۸	۰/۳۸۵۲	۰/۴۰۷۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

با توجه به جدول۲ طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) شاخص سرشمار فقر (نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه) در مناطق روستایی همواره بیشتر از مناطق شهری بوده است. بیشترین میزان افراد فقیر در مناطق شهری و روستایی مربوط به سال ۱۳۸۹ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۴ است. در سال‌های ۱۳۹۰و ۱۳۹۱ شاخص سرشمار فقر در مناطق شهری به ترتیب ۰/۳۷۸۴ و ۰/۴۰۲۲ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان ۰/۰۳۷۱ و ۰/۰۱۳۳ کاهش داشته است. همچنین شاخص سرشمار فقر در مناطق روستایی در سال‌های ۱۳۹۰و ۱۳۹۱ به ترتیب ۰/۳۸۵۲ و ۰/۴۰۷۱ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان ۰/۰۴۴۶ و ۰/۰۲۲۷ کاهش داشته است.

جدول ۳. اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
مناطق‌شهری	۰/۱۰۱۴	۰/۰۸۸۴	۰/۰۸۶۷	۰/۰۸۵۷	۰/۱۱۵۷	۰/۱۰۸۲	۰/۱۱۴۶	۰/۱۳۱۲	۰/۱۳۳۶	۰/۱۰۹۹	۰/۱۱۹۱
مناطق‌روستایی	۰/۱۱۶۹	۰/۱۰۶۹	۰/۰۹۷۹	۰/۰۸۹۹	۰/۱۱۳۹	۰/۱۰۹۰	۰/۱۲۰۴	۰/۱۳۹۶	۰/۱۳۵۴	۰/۰۹۸۴	۰/۱۱۱۷

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۴. اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص مجذور شکاف فقر (FGT) در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸٤	۱۳۸۵	۱۳۸٦	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
مناطق‌شهری	۰/۰۴۴۴	۰/۰۳۷۱	۰/۰۳۶۹	۰/۰۳۵۲	۰/۰۵۱۲	۰/۰۴۷۹	۰/۰۵۰۵	۰/۰۵۹۳	۰/۰۵۹۷	۰/۰۴۵۲	۰/۰۴۹۲
مناطق‌روستایی	۰/۰۵۳۷	۰/۰۴۷۸	۰/۰۴۲۹	۰/۰۳۸۹	۰/۰۴۹۹	۰/۰۴۷۹	۰/۰۵۳۹	۰/۰۶۴۱	۰/۰۵۹۶	۰/۰۳۹۳	۰/۰۴۴۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۲ در طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) فقر در مناطق روستایی همواره بیشتر از مناطق شهری بوده است. طبق شاخص سرشمار فقر در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۱ درصد مردم ایران در مناطق شهری و حدود ۴۲ درصد مردم در مناطق روستایی در

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

فقر به‌سر برده‌اند. طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۸۹ فقر در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش داشته است.

جدول ۵. اندازه‌گیری شاخص جینی در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸٤	۱۳۸۵	۱۳۸٦	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
مناطق شهری	۰/۳۸۸۲۵	۰/۳۷۵۹۹	۰/۳۷۹۵۱	۰/۳۸۷۲۴	۰/۳۹۳۶۵	۰/۳۸۷۷۹	۰/۳۷۰۹۰	۰/۳۷۲۶۸	۰/۳۶۸۸۱	۰/۳۳۳۱۵	۰/۳۲۵۴۳
روستایی	۰/۳۹۴۳۹	۰/۳۸۳۸۱	۰/۳۹۹۶۴	۰/۳۹۷۳۷	۰/۴۰۸۶۴	۰/۳۹۶۳۲	۰/۳۹۲۸۲	۰/۴۰۰۸۸	۰/۳۹۰۷۹	۰/۳۵۱۲۹	۰/۳۵۰۵۸

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به جدول ۵ طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) نابرابری درآمدی در مناطق شهری از نوساناتی برخوردار بوده است. بالاترین و پایین‌ترین میزان نابرابری به‌ترتیب به سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. در سال ۱۳۸۹ شاخص جینی ۰/۳۶۸۸۱ است که نسبت به سال‌های ماقبل خود کاهش داشته است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ (پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) میزان نابرابری درآمدی در مناطق شهری ایران اندکی کاهش یافته است. در مناطق روستایی بالاترین میزان نابرابری در سال ۱۳۸۵ بوده است. کمترین میزان نابرابری به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. در سال ۱۳۸۹ شاخص جینی برابر با ۰/۳۹۰۷۹ است که نسبت به سال‌های ماقبل خود کاهش داشته است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ (پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) میزان نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران اندکی کاهش یافته است.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

فقر و نابرابری‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات زندگی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه‌تنها کاسته نشده، بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. البته فقر تنها محدود به کشورهای جهان سوم نیست، بلکه تمام کشورهای جهان به‌نوعی با آن درگیر هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه افزایش تولید در این کشورهاست. تغییرات ساختاری (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) و نیز امکانات زیربنایی و روبنایی در کشورهای مختلف نیز در کاهش فقر مطلق (حداقل درآمد و خط فقر) نقش غیرقابل‌انکاری داشته است. نحوه توزیع درآمد عادلانه در جامعه نیز می‌تواند فقیران جامعه را در به‌دست آوردن حداقل نیازها یاری کند تا از فقر مطلق رهایی یابند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقر همچنان یکی از بزرگ‌ترین معضلات ایران است. نتایج حاصله دلالت بر آن دارد که طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. بیشترین میزان افراد فقیر در مناطق شهری و روستایی مربوط به سال ۱۳۸۹ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۴ است. در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۱ درصد مردم ایران در مناطق شهری و حدود ۴۲ درصد مردم در مناطق روستایی در فقر به‌سر برده‌اند. طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) نسبت به سال ۱۳۸۹ فقر در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش یافته است. در مورد نابرابری درآمدی نتایج حاصل از محاسبات نشان می‌دهد، طی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۸۱) میزان نابرابری درآمدی در ایران بالا و با نوساناتی همراه بوده است. بیشترین میزان نابرابری به سال ۱۳۸۵ مربوط می‌شود و در سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) (پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) نابرابری درآمدی در ایران اندکی کاهش یافته است. در پژوهش حاضر، سعی شد شاخص‌های فقر و نابرابری طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) مورد ارزیابی قرار گیرند و با سال ۱۳۸۹ (سال اجرای قانون هدفمندی) مقایسه شوند. قطعاً با بررسی دو سال (۱۳۹۰و ۱۳۹۱) نمی‌توان در مورد عملکرد قانون هدفمندی نظر داد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

به‌طورکلّی اگر هدفمندی یارانه‌ها به‌معنی واقعی خود صورت گیرد، یعنی بیشتر به دهک‌های پایین درآمدی یا به‌اصطلاح قشرهای آسیب‌پذیر جامعه در پرداخت یارانه‌ها توجه شود، می‌توان به آینده اجرای این قانون امیدوار بود.

با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش پیشنهادات ذیل ارائه می‌شوند:

ـ راه رهایی از «تله نابرابری» و فقرزدایی از اقتصاد ایران را باید در کار، تلاش و تولید جستجو کرد. بهترین شیوه برای رهایی فقرا از فقر ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنهاست. بهتر است دولت از منابع آزادشده از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی برای سرمایه‌گذاری و اشتغال برای گروه هدف به‌صورت مشارکتی استفاده کند، تا هم برای آنان ایجاد کار و درآمد شود و هم آنان اطمینان یابند جز در سایه مشارکت در تولید نمی‌توانند به زندگی و معیشت خود بهبود بخشند. سیاست‌های توزیع درآمد، اگر به‌گونه‌ای باشند که به‌جای آنکه انگیزه کار و تلاش و تولید را در فقرا دامن زند موجب بی‌انگیزگی بیشتر آنان برای کار کردن شود، قطعاً در درازمدت بر نهادینه شدن فقر و عمق آن در اقتصاد کشور می‌افزاید و بیش از پیش اقتصاد ایران را در «تله نابرابری» گرفتار می‌کند.

ـ بدون شک قانون هدفمندسازی یارانه‌ها یکی از قوانین ارزشمند اقتصادی در جامعه بعد از انقلاب می‌باشد که در صورت اجرای درست و اصولی آن می‌تواند تحولات بزرگی را در بلندمدت و حتّی میان‌مدت برای جامعه به ارمغان آورد؛ اگرچه تبعات منفی کوتاه‌مدت آن دور از انتظار نیست. البته فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب دولت در این زمینه می‌تواند بستر را برای اجرای درست آن فراهم نماید. به‌طورکلّی اگر هدفمندی یارانه‌ها به‌معنی واقعی خود صورت گیرد، یعنی بیشتر به دهک‌های پایین درآمدی یا به‌اصطلاح قشرهای آسیب‌پذیر جامعه در پرداخت یارانه‌ها توجه شود، می‌توان به آینده اجرای این قانون امیدوار بود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

ـ تأمین حداقل معیشت گروه‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، با تأکید بر بهره مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم‌درآمد، گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان با رعایت ملاحظات عدالت جنسیتی).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

منابع

ابو نوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۶)، "**اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران**"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۷، بهمن و اسفند، صص ۹۵-۶۵.

ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، **درآمدی بر شناخت شاخصه‌ای نابرابری درآمد و فقر**، تهران: مرکز آمار ایران.

ابونوری، اسماعیل و نادر مالکی (۱۳۸۷)، "**خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸)**"، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، *نشریه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۸، دوره۷، بهار، صص۲۱۵-۲۳۷.

ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی (۱۳۹۲)، "**بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه**"، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۱، بهار، صص ۶۴-۳۵.

ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی(۱۳۹۲)، "**بررسی وضعیت فقرمطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه**"، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره یکم، بهار، صص ۶۴-۳۵.

اسلامی، سیف الله (۱۳۷۹)، "**ارزیابی یارانه و خطّ فقر**"، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال۷، شماره ۴.

باباپور، میترا (۱۳۹۱)، **فقر و نابرابری و تحرّک درآمدی: موردی از رویکرد شبه پانل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۷)، "**ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران**"، *نامه مفید*، شماره ۱۴.

پیرائی، خسرو و بهروز سیف (۱۳۸۹)، "**تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران**"، *پژوهش‌نامه مالیات*، دوره جدید، شماره ۹، مسلسل ۵۷، پاییز و زمستان، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.

پیرائی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۷)، "**ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران**"، *نامه مفید*، شماره ۱۴.

تودارو، مایکل (۱۳۸۶)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار، چاپ ۱۵.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

خدادادکاشی، فرهاد. باقری، فریده. حیدری، خلیل و امید خدادادکاشی (۱۳۸۱)، **اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران. کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر(۱۳۶۳-۱۳۷۹)**، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.

خداداد کاشی، فرهاد و فریده باقری (۱۳۸۴)، "**نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی**"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۷، شماره ۲۲۱۱۸.

دادگر، یدالله و روح‌اله نظری (۱۳۹۰)، "**تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران**" *رفاه اجتماعی*، پاییز ۱۳۹۰، دوره ۱۱، شماره ۴۲.

دادگر، یدالله(۱۳۸۶)، **مالیه عمومی و اقتصاد دولت**، تهران: انتشارات نور علم، دانشگاه تربیت مدرس.

راغفر، حسین و آزاده ابراهیمی (۱۳۸۷)، "**نابرابری درآمدی در ایران طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۶۳)**"، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، نشریه رفاه اجتماعی، بهار ۱۳۸۷، دوره۷، شماره ۲۸.

راغفر، حسین(۱۳۸۴)، "**فقر و ساختار قدرت در ایران**"، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۸۸-۲۴۹، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، **توسعه به‌مثابه آزادی**، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان.

غروی نخجوانی، سید احمد (۱۳۸۴)، "**فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار ایران**"، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۷، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

فطرس، محمدحسن و رضا معبودی (۱۳۸۷)، "**بررسی رابطه نابرابری درآمدی و نابرابری مخارج مصرفی در ایران**"، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۵۹.

خداداد کاشی، فرهاد؛ حیدری، خلیل و فریده باقری (۱۳۸۴)، "**برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های (۱۳۷۹- ۱۳۶۳)**"، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۱۶۴.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

کانبور، راوی و این اسکوایر (۱۳۸۲)، **تطور تفکر درباره فقر: کشف کنش‌های متقابل، در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز**، ویراستار جرالد میر و جوزف استیگلیتز، مترجم غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران: نشر نی.

کلانتری، عباس و عباس رحیمی (۱۳۸۵)، **بررسی اقتصادی یارانه**، (چاپ ۳) مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

گالبرایت، جان‌کنت (۱۳۷۱)، **ماهیت فقر عمومی**، (چاپ ۳)، ترجمه دکتر سید محمدحسین عادلی، انتشارات اطلاعات، تهران.

محمودی، وحید و سیدقاسم صمیمی فر(۱۳۸۴)، **"فقر قابلیتی"** *رفاه اجتماعی*، شماره ۴، دوره۱۷، صص۹-۳۲.

محمودی، وحید (۱۳۸۶)، **اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران**، تهران: انتشارات سمت.

مرکز آمار ایران، **داده‌های‌خام طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی**، سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۱.

نجفی‌زاده، سیدعباس. حسینی، سیده مریم (۱۳۸۸)، "**توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران (۱۳۸٦ – ۱۳٦۳)**"، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۱، شماره ۳، صص۱۶۵-۱۴۷.

Arif, G. & Sh. Farooq (2012), "Welfare Impact of the Health Intervention in Pakistan: The Case of Lady Health Workers Programme", *Poverty and Social Dynamics Paper Series*. Pakistan: Institute of Development Economics.

Booth, Ch. & B. S. Rownetree (1901), *Poverty: A Study of Town Life*, London: Macmillan.

Booth, Ch. (1889), "Life and Labour of the People in London", Vol. 1, pp.33-62.

Bourguignon, F. & G.S. Fields (1995), "Discontinuous Losses from Poverty, General Measures, and Optimal Transfer to the Poor", *Journal of Public Economics*, Vol. 63, No. 2, PP.155-175.

Canto, O. & C. Gradin (2002), *Inequality, Poverty and Mobiliy: choosing Income or Consumption as Welfare, Indicators*, Universidad dade de Vigo.

Cowell, Frank (1998), *Measurement of Inequality*, London: School of Economics.

Deaton, A. (1997), *The Analysis of Household Surveys, A Microeconometric Approach to Development Policy World Bank*, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.

Fishliw A. (1995), "Inequality, poverty, and Growth: Where Do we stand?", *Annual World Bank Conference on Development Economics*, PP. 25-39.

Foster, J.; E. Greer, J. & E. Thorbeck (1984), "A Class of Decomposable Poverty Measure", *Econometrica*, Vol.52, PP. 761-766.

Gardes, F. & C. Canelas (2010), "Poverty, Inequality, and Income Mobility: The Case of Ecuador. A Pseudo-Panel Approach", *Master Models and Methods for Quantitative Economics*. Paris: School of Economics.

Glassman, Amanda & Nancy Birdsall (2013), "Can India Defeat Poverty", *Foreign Policy*, January 8.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]

Greer, J. & E. Thorbecke (1986), "A Methodology for Mearsuring Food Poverty Applied to Kenya", *Journal of Development Economics*, Vol. 24, PP. 59-74.
Haughton, J. & Sh. Khandker (2009), *Handbook on Poverty and Inequality*. Washington DC: World Bank.
Hoffman, E.; McCabe, K.; Shachat, K. & V. Smith (1994) "Preferences, Property Rights, and Anonymity in Bargaining Games", *Games and Economic Behavior*. Vol.7, PP. 346-380.
Kuznets, S. (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *The American Economic Review*. Vol. 45, No. 1, PP. 1-28.
Mahmuodi, Vahid (2011), "Poverty Changes During the Three Recent Development Plans in Iran (1995 - 2007)", *African and Asian Studies*, Vol. 2, No. 3, PP. 157-179.
Pajooyan, J. (1994), "Establishing the Poverty Line", *Iranian Economic Review*, No. 1.
Piketty, Th. & E. Saez (2003), *Income Inequality in the United States (1913–1998)*, Issue 1.
Pollak, R.A. & T.J. Wales (1969), "Estimation of Linear Expenditure System", *Econometrica*, Vol. 37, No. 4.
Ravallion, M & Sh. Chen (2007), "Absolute Poverty Measures for the Developing World (1981-2004)", *World Bank Policy Research Working Paper 4211*.
Ravallion, M. (1996), "Issues in Measuring and Modelling Poverty", *The Economic Journal*, Vol. 106, PP. 1328-1343.
Rownetree, B. S. (1941), *Poverty and the Welfare State*. London: Longman.
Salehi-Isfahani, J. (2012),"The impact of Iran's subsidy reform on households: Evidence from survey data", *Virginia Tech, The Brookings Institution, and the Economic Research Forum.*
Salehi-Isfahani,j & M. Majbouri (2010), "Mobility and the Dynamics of Poverty in Iran: Evidence from the (1992–1995)", *The Quarterly Review of Economics and Finan*.
Sen, A. (1976), "Poverty: An Ordinal Approach to Measurement", *Econometrica*, Vol. 44, No.2, March.
Sen, A. (1981), "Ingredients of Famine Analysis: Availability and Entitlements", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 96, No. 3.
Townsend, P. (1979), *Poverty in the United Kingdom*, London: Allen Lane and Penguin Books.
Townsend, P. (1979), "A Sociological Approach to the Measurement of Poverty, A Rejoinder to Professor Amartya Sen", *Oxford Economic Papers*.
Townsend, P. (1981), "An Alternative Concept of Poverty, Division for the Study of Development", Paris:United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
Townsend, P. (1970), *The Concept of Poverty*, London: Heinemann.
Ximing, Wu.; Perloff & Jeffrey M. (2005), "China's Income Distribution (1985-2001)", *Institute for Research on Labor and Employment*, Working Paper Series qt0zd6m0sf, Institute of Industrial Relations, UC Berkeley
http://www.foreignpolicy.com/articles/2013/01/08/can_india_defeat_poverty.
Judge, G. W. Griffiths, R. Hill, H. Lukkepohl, & T. Lee, (1985), *The Theory and Practice of Econometrics*, Second Edition, New York: John Wiley and Sons, Inc.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-05]